

مشارکت پایین با هدف تضعیف ایران

پیروزی حداکثری جریان خوشبین به غرب

تثبیت دوقطبی‌های غیر واقعی در جامعه ایران و...

جریان اصلاح طلب

باز تولید نسبی گفتمان عدالت با تکیه بر تحولات قضایی

استفاده از نا کار آمدی‌های عملی ایده همگرایی با غرب

زمینه مناسب برای طرح ایده جوان گرایی و...

مشارکت بالا

تشکیل مجلس کارآمد مبتنی بر رقابت ایده‌های حکمرانی

روی کار آمدن مجلس جوان و ضد فساد و...

جریان اصلاح طلب

مرزبندی با دولت

ارجاع نا کار آمدی‌ها به موانعی همچون نظارت استصوابی

تمرکز بر باز تولید دوقطبی‌های اجتماعی و...

شما تیک انتخابات ۹۸

«فرهنگستان» هدف گذاری، استراتژی و چالش‌های بازیگران اصلی در انتخابات دوم اسفند ۹۸ را بررسی کرد «۲، ۷»



دکتر ولایتی در دیدار نماینده ویژه چین در امور خاورمیانه:

مقاومت
در آینده منطقه
دست برتر را
خواهد داشت

۱ «

گزارش «فرهنگستان» از قیاس اتاق‌های فکر اقتصاد ایران با کشورهای توسعه یافته

در اقتصاد اتاق هست ولی فکر نیست

۸ «

یک کار خوب در شبکه کودک و چند پرسش

حذف تبلیغات به نفع کودکان

۱۲ «

گفت‌وگوی «فرهنگستان» با استاد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

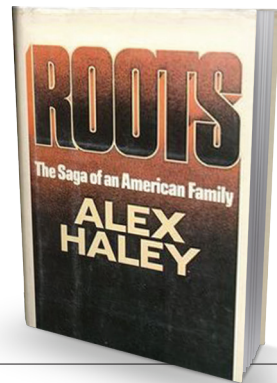
امارات باید هزینه امنیت را بپردازد

۱۳، ۱۵ «

۸ رمان خوشخوان ضد نژادپرستی را معرفی کرده ایم

ادبیات علیه
نژادپرستی
لیبرال‌ها

۱۳ «



«خبر»

دکتر ولایتی در دیدار نماینده ویژه چین در امور خاورمیانه:

مجموعه مقاومت در موازنه‌های آینده منطقه دست برتر را خواهد داشت



دکتر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل روز گذشته در دیدار با جاجون، نماینده ویژه چین در امور خاورمیانه در خصوص روابط دوجانبه و موضوعات منطقه‌ای دیدار و گفت‌وگو کرد.

مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل در این دیدار مواضع چین در مورد ایران را مثبت ارزیابی کرد و گفت: «برای ما چین کشور مهمی است و روابط بسیار عمیقی هم بین دو کشور وجود دارد و دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به این تعاملات، استراتژیک و راهبردی است که بنده نیز توفیق داشته‌ام از ابتدای پایه گذاری این روابط، فعالیت داشته باشم و به عنوان یک ناظر، سیر روابط ایران و چین را همواره روبه‌رشد دیده‌ام و این سیر راهبردی ادامه خواهد داشت.» او افزود: «در منطقه شاهد وضعیت حساسی هستیم و تحولات بسیار مهمی در حال وقوع است و بیشتر کشورهای جهان تمایل دارند که در منطقه حضور فعال داشته باشند و تمایل داریم چین حضور فعال تری در منطقه داشته باشد و باید برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای گام برداشت.»

دکتر ولایتی افزود: «هشت سال است که سوریه، مورد تهاجم بیگانگان و تروریست‌های مورد حمایت بیگانگان قرار گرفته و از ابتدا ایران از کشور دوست و برادر سوریه حمایت کرد و همین اتفاق در عراق هم افتاد و اگر کمک‌های ایران نبود، بغداد به دست تروریست‌ها می افتاد و امروز مساله مهم یمن است که مورد تهاجم قرار گرفته است.»

مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل اظهار داشت: «اطمینان دارم آینده منطقه بسیار روشن است و قطعه کشورهای سوریه، یمن و عراق پیروز خواهند شد و امنیت به منطقه باز خواهد گشت و در موازنه‌های آینده منطقه، کشورهای مجموعه مقاومت، دست برتر را خواهند داشت و این منطقه به دست صاحبان اصلی خود باز خواهد گشت.» همچنین جاجون، نماینده ویژه چین در امور خاورمیانه هم در این دیدار ضمن تشکر از همکاری‌های مثبت ایران در منطقه گفت: «روابط ایران و چین در حد بسیار مطلوبی قرار دارد و مشارکت راهبردی دو کشور بسیار توسعه یافته است و روابط بسیار عمیقی وجود دارد.» او با توجه به حساسیت منطقه افزود: «این منطقه بسیار حساس است و باید امنیت به آن بازگردد.» وی در ادامه در مورد روابط ایران و عربستان نیز گفت: «ایران و عربستان از کشورهای مهم منطقه هستند و باید به‌طور صلح آمیز با هم رابطه داشته باشند.» لازم به ذکر است، در ادامه دو طرف در خصوص توسعه روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین المللی به بحث و تبادل نظر پرداختند.

«گزارش»

خبر خوب سخنگوی دستگاه قضا

برگشت ۷ هزار میلیارد به خزانه فقط از ۹۱ پرونده در یکی از نواحی تهران

در یکی از نواحی دادسرای تهران آن هم فقط در ۹۱ پرونده، قریب به هفت هزار میلیارد تومان وجه نقد به خزانه دولت و بانک‌ها برگشت؛ ۸۷ میلیون و ۸۳۶ هزار و ۳۳۷ یورو به خزانه و بخش‌های ذی ربط عودت داده شد، ۱۲ میلیون و ۹۳ هزار و ۵۴۱ دلار استرداد شد و ۲۹۴ میلیون و ۳۰۳ هزار و ۱۴۷ درهم امارات از متهمان پرونده‌ها وصول شد. اینها فقط بخشی از سخنان غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه در دوازدهمین نشست خبری اش بود؛ سخنانی که در کنار اخبار و اطلاعات دیگر، همچون مرزبندی دقیق تر بین جرم سیاسی و جرم امنیتی، احکام کارگران هفت‌تپه و تجدیدنظر در آنها، آخرین پیگیری‌های حقوقی پرونده مسعود سلیمانی که در آمریکا بازداشت شد، پرونده جدید شهرام جزایری، اطلاعاتی ذی قیمت فریب خوردگان ماجرای دستگیری روح‌الله زم، آخرین وضعیت پرونده علیرضا زبیا حالت منفرد و... آن طور که باید دیده نشد.

این اعلام و این بازگشت سرمایه به خزانه دولت و بانک‌ها، آن هم فقط در یکی از نواحی دادسرای تهران می‌تواند مؤید دو موضوع باشد؛ مساله اول اینکه به هر حال هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند فساد نیست، اعداد و ارقامی که هر روز در رسانه‌ها و شبکه‌های مختلف از دزدی‌ها، اختلاس‌ها و فسادهای مالی منتشر می‌شود همه بخشی از واقعیت فساد موجود در کشور است، فساد است که در هر حد و اندازه‌ای قابل بررسی و توجه است و باید نسبت به آن حساس بود. اما در کنار وجود فساد مالی، این برخوردها و پیگیری‌ها نشان می‌دهد اقداماتی هم در حوزه مبارزه، کنترل و برخورد با فساد مالی صورت می‌گیرد و از این منظر در کنار بار روانی منفی ناشی از وجود فساد، می‌توان از وجود بار روانی مثبت برخوردار با این مساله هم به عنوان کنش مثبت دستگاه‌های نظارتی و قضایی یاد کرد.

به هر حال نهادی وجود دارد و به صورت بالقوه برای مبارزه و مقابله با فساد مالی و بازگرداندن ثروت ملی به بیت‌المال فعال است و می‌تواند با جدیت و اصرار در برخوردها و ادامه آنها، این ذهنیت را تقویت کند که به‌رغم وجود فساد گاهی گسترده در نهادها و سازمان‌های مختلف و توسط اشخاص گوناگون با گرایش‌های ایدئولوژیک و سیاسی متفاوت، نهاد قضایی امکان و توان برخورد با آن را در سطوح مختلف دارد و این کار در حال انجام است.

علاوه بر این، به عنوان دومین مساله می‌توان به این پرسش که بازگشت این سرمایه‌ها و پول‌ها چه اثری دارد و چه گرهی از زندگی مردم باز می‌کند، پاسخی داد و گفت در یکی از مصادیق برخورد با مفاسد، در یکی از نواحی دادسرای تهران، چیزی نزدیک به هفت هزار میلیارد تومان وجه نقد عودت داده شده است، مبلغی که در این شرایط اقتصادی هم گره از مصائب دولت در هزینه کردها باز می‌کند و هم می‌تواند از بسیاری از بن‌بست‌های مالی در سیاست‌های مختلف دولتی جلوگیری کند، چرا که رسیدگی‌ها و تجمیع عودت‌ها صرفاً محدود به همین ناحیه قضایی و محدود به استان تهران نخواهد ماند و از این به بعد حتماً اتفاقی‌های بهتر، گسترده‌تر و جدی‌تری در این حوزه رخ خواهد داد.

به‌رحال به‌رغم وجود مصائب، مشکلات و مطالبات متعدد و مکرر در حوزه‌های مختلف قضایی و نظارتی، آنچه امید می‌رود و بارقه‌های آن موجود است اینکه قوه قضائیه خصوصاً در دوره جدید ریاست آن، گام‌های مثبت و قابل توجهی در برخورد با مفاسد اقتصادی برداشته و این برخوردها هم محدود به جلسات دادگاه‌ها و شواقی‌های رسانه‌ای نمانده و خروجی‌های ریالی و ارزی مثبتی برای کشور داشته است. استمرار در برخوردها و بازگشت سرمایه‌های ملی به بیت‌المال می‌تواند بخشی از انتظارات عمومی از این دستگاه را برآورده و به اعتماد عمومی کمک کند.

«یادداشت»

سینمای جاذبه‌ها و تفکر بصری



سید مهدی نامینی قره باغ

مدیر مدرسه عالی علوم انسانی روزگار نو

برخی از سالن‌ها برای مثال به شکل قطار ساخته می‌شدند و صدای قطار در آنها بازسازی می‌شد و سپس همزمان، از پرده سینما تصاویری از قطار در حال سفر پخش می‌شد. بدین ترتیب تماشاچی‌ها می‌توانستند تجربه‌ای بی‌بدیل از شبیه‌سازی سفری مجازی داشته باشند. (مگر نه اینکه حتی همین امروز هم سینماهای سبده‌بندی در شهرهای ما، شکل تکنولوژیک تری از این تجربه را بازسازی می‌کنند؟) بنابراین به نظر می‌رسد امر دومی به سینمای تازه متولد شده قدرت می‌دهد و آن صنعت سرگرمی‌سازی است. فعلاً از اینکه چرا سرگرمی در دنیای مدرن چنین جایگاهی پیدا می‌کند، سخنی نمی‌گویم و بررسی آن را هم به وقت دیگری می‌سپاریم. در واقع پرسش از صنعت سرگرمی باید پرسشی باشد که هم وضع سرمایه‌داری را لحاظ کرده باشد و هم بتواند به حاق تفکر اومانستی رسوخ کند، تفکری که ملال را به بخشی از زندگی هر روزه انسان مبدل کرده است. به همین خاطر بود وقتی بعداً آیزنشتاین یکی از نخستین و درخشان‌ترین نظریه‌های فیلم را تدوین کرد، در جست‌وجوی آن واحد تحلیلی که بتواند سینما را مفصل‌بندی و قابل فهم‌سازد، از اصطلاح «مونتاژ جاذبه‌ها» استفاده کرد و خود او به مثابه یک فیلمساز حرفه‌ای، هر چند فیلم‌هایی ساخت دارای پی‌رنگ، اما سخت به این واحدها و تأثیرات حسی آنها متعهد ماند.

اما در عین اهمیت این دو وجه قدرت سینما، یعنی بازنمایی بصری تصاویر (مستقل از آنچه بازنمایی می‌شود) و نیز سرگرمی‌سازی تکنولوژیک-صنعتی، باید از این پرسید که آیا این دو وجه بی‌ارتباط با یکدیگر هستند و صرفاً پیوستگی از دو حس مختلفند یا بر یک اساس واحد استوارند؟

اگر بتوان روزهی و جایی نشانداد تکنولوژی، صنعت و سرگرمی‌های برآمده از آن، خود در ادامه «تفکر بصری» هستند، شاید بتوان برای سوال بالا هم پاسخ خوبی فراهم آورد. به عبارت دیگر، اگر بتوانیم نشان دهیم بین تفکری ریاضی و تصرف‌گر و ایضاح طلب-که تکنولوژی به جهان عرضه داشته است- و ویژگی ذاتی انسان-یعنی دیدن-ارتباطی وجود دارد، ارتباطی که ما نظر به بسط قدرت دیدن و اولویت آن در تفکر، از اصطلاح «تفکر بصری» برای بیان آن بهره می‌بریم، موفق به نشان دادن این اساس شده ایم. از یاد نبریم که در همین سینما، مونتاژ جاذبه‌ها، یعنی پیشینه کردن تأثیرات حسی و بصری مخاطبان، تا حد قابل توجهی مبتنی بر ریاضیات انجام می‌شد و این خود تکنولوژی بود که محاسبه‌پذیری آن را ممکن می‌ساخت.

بنابراین پرسش از نسبت «تفکر بصری» به مثابه آنچه تکنولوژی سینما را در دو وجه صنعت سرگرمی‌سازی و بازنمایی تصاویر معین می‌سازد، پرسشی است درخور و پاسخ به این پرسش هم می‌تواند روشنایی بخش ذات سینما باشد.

سینمای جاذبه‌ها اصطلاحی است که بیشتر از همه به تام کایننگ تعلق دارد. او در سال ۱۹۸۶ از این اصطلاح استفاده و بلافاصله آن را به اصطلاحی معتبر و پرکاربرد در شناخت سینما مبدل کرد. «سینمای جاذبه‌ها»، به دنبال این یادآوری مهم به ماست که سینما قبیل از اینکه بخواهد از ادبیات و هنر فاخر الهام و الگو بگیرد، از دل صنایع سرگرمی متأخر مانند شهر بازی‌ها، کارناوال‌ها و... آغازین گرفت.

مطلع سخنان کایننگ با ارجاع به فرنان لژه شکل می‌گیرد و بیان می‌کند ظهور لژه در همان روزهای آغازین اختراع سینما، اهمیت آن را به نشان دادن و مرئی کردن تصاویر خواننده است و نه مثلاً تشبیه به این یا آن شاخه هنری. در واقع سینما در آغاز کار خود، قصد هیچ نوع «روایت» سر و شکل یافته و صورت‌مندی نداشته است. سینما در این زمان، صرفاً قصد «نشان دادن» داشته و این یعنی اساساً سینما خود را در «بصری بودن» یافته است. عجلات متعرض کایننگ نمی‌شویم که نشان دادن هم‌نوعی روایت کردن است و توضیح آن را به زمان دیگری حواله می‌دهیم. به هر حال اغلب فیلم‌های ساخته شده در سال‌های آغازین ظهور سینما، فیلم‌هایی بوده است که درباره چیزهای عادی زندگی از جمله درباره سفر، تصاویری را نمایش می‌داده‌اند.

کایننگ توضیح می‌دهد هر چند فیلم‌های ملی‌یس، تمایزی با فیلم‌های لومی‌یر و تابعان او داشته است، اما آنها هم چندان از روایت‌های یخته‌ای بهره نمی‌بردند. در واقع اگر جاذبه جناحی از فیلمسازان به بصری کردن تصاویری از زندگی روزمره بوده است، جاذبه جناح دیگر هم به بصری کردن شعبده‌ها و وقایع عجیب و غریب بوده است. [پس از این نظر که آیا پی‌رنگی باشد برای طراحی روایت یا نه، هیچ تفاوتی بین این دو دسته نیست.

تا اینجا حداقل این نکته روشن به نظر می‌رسد که هیچ از دو جریان اصلی لومی‌یر و ملی‌یس و تابعان آنها به دنبال تجربه سینمای مبتنی بر پی‌رنگ و الگوگیری از ادبیات، نتاثر و... نبودند. هر دوی این جریان‌ها، وجهه اصلی خود را در «بازنمایی تصاویر» می‌دیدند و این یعنی آغازگران سینما، قدرت اصلی این رسانه را در تصویرسازی و بارور کردن حیث بصری آدمی جست‌وجو می‌کردند.

کایننگ در همان مقاله یادآور می‌شود که بخش عمده‌ای از سالن‌های سینما در همان سال‌ها، کمابیش شکلی فانتزی-تکنولوژیک داشتند و از الگوی شهر بازی‌هایی که خود برآمده از تجارتنی پروتونی بود، تبعیت می‌کردند.

سینما، قدرت اصلی این رسانه را در تصویرسازی و بارور کردن حیث بصری آدمی جست‌وجو می‌کردند.

کایننگ در همان مقاله یادآور می‌شود که بخش عمده‌ای از سالن‌های سینما در همان سال‌ها، کمابیش شکلی فانتزی-تکنولوژیک داشتند و از الگوی شهر بازی‌هایی که خود برآمده از تجارتنی پروتونی بود، تبعیت می‌کردند.

سینما، قدرت اصلی این رسانه را در تصویرسازی و بارور کردن حیث بصری آدمی جست‌وجو می‌کردند.

کایننگ در همان مقاله یادآور می‌شود که بخش عمده‌ای از سالن‌های سینما در همان سال‌ها، کمابیش شکلی فانتزی-تکنولوژیک داشتند و از الگوی شهر بازی‌هایی که خود برآمده از تجارتنی پروتونی بود، تبعیت می‌کردند.

سینما، قدرت اصلی این رسانه را در تصویرسازی و بارور کردن حیث بصری آدمی جست‌وجو می‌کردند.

کایننگ در همان مقاله یادآور می‌شود که بخش عمده‌ای از سالن‌های سینما در همان سال‌ها، کمابیش شکلی فانتزی-تکنولوژیک داشتند و از الگوی شهر بازی‌هایی که خود برآمده از تجارتنی پروتونی بود، تبعیت می‌کردند.